

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۶۰

جمعه ۱۶ خرداد ۱۳۹۳، ۶ ژوئن ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

مردم سوریه سه سال قبل رای داده اند!
جدال "فرهنگی" بر سر بود و نبود حکومت!

طوفان علیه منادیان غضب الهی!

رکورد حکومت و رکورد مردم!

صفحه ۹

پاسخ به

سونامی بیکاری اتحاد
سراسری علیه رژیم است

شهلا دانشفر

صفحه ۶

دعواها بر سر چیست؟

کاظم نیکخواه

صفحه ۵

جمهوری اسلامی ایران عملا در
مقابل تلاش برای بخشش سحر
مهابادی ایستاده است!

کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۱۰

وضعیت سیاسی در ایران و دوره نوین مبارزات مردم

مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی

حمید تقوایی: در جامعه ایران اعتراضات و مبارزات توده ای موضوع تازه ای نیست. اعتراض و مبارزه مردم از مقطع بقدرت رسیدن رژیم آغاز شده و مستمرا ادامه داشته است. منتهمی در این دوره به دو خصیصه که مبارزات جاری را از گذشته متمایز میکند باید توجه داشت.

خصیصه اول ابعاد کمی این مبارزات است. این مبارزات دامنه وسیعی دارد. سوژه و موضوع اعتراض تازه نیست ولی ابعاد نسبتا وسیع درگیر شدن و

صفحه ۲

از مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی شده ایم؟ علل و زمینه های سیاسی و اجتماعی مبارزات چیست و بالاخره سیاست حزب کمونیست کارگری ایران در قبال این مبارزات چه هست و یا چه باید باشد؟ این سئوالات را با حمید تقوایی مطرح میکنیم.

در نوشته ها و تحلیلهای اخیر حزب به این اشاره می شود که جامعه وارد دوره تازه ای از مبارزات شده است. خصوصیات این دوره تازه چیست و چه تفاوتی با دوره های گذشته دارد؟

محمد کاظمی: در ماه های اخیر شاهد شکل گیری و گسترش اعتراضات اجتماعی و سیاسی در جامعه ایران هستیم. بعنوان نمونه میتوان از گسترش جنبش علیه اعدام و قوانین قصاص، مقابله با تلاشهای رژیم برای حذف یارانه ها، اعتراضات کارگران بر سر دستمزدها، مبارزه علیه فاجعه محیط زیست و اخیرا نفی عملی حجاب و مبارزه جوانان برای رقص و شادی و خلاصی از فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده اسلامی نام برد. واقعا در جامعه ایران چه میگذرد؟ آیا ما وارد فاز تازه ای

به کمک مالی شما نیاز داریم!

کمپین دوماهه برای تامین ۱۰۰ هزار دلار

صفحه ۱۳

شکل دادن به یک جنبش وسیع اجتماعی علیه بیکاری عملی و عاجل است

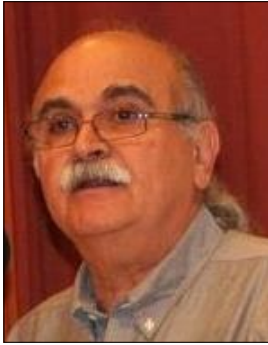
حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸



ISNA / PHOTO: HAMID FOROOTAN

و خط رفسنجانی- روحانی موجب این شرایط شده است؟ در این مورد چه فکر میکنید؟



وضعیت سیاسی در ایران و دوره نوین مبارزات مردم

مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی

حمید تقوایی: اجازه بدهید از همین نکته آخر شروع کنیم. به نظر من دلیل این اعتراضات این نیست که روحانی روی کار آمده است و یا اختلافات درون حکومت بالا گرفته است. قضیه برعکس است. اختلافات حکومتی و روی کار آمدن روحانی یک نتیجه شرایط انفجاری در جامعه است. مساله نهایتاً بر میگرده به بن بست کامل سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی. همه میدانند رژیم با یک بن بست کامل اقتصادی روبرو است. جمهوری اسلامی هیچوقت نتوانست یک سرمایه داری متعارف را در ایران سازمان بدهد و وخامت و بحرانی بودن شرایط اقتصادی همانطور که اشاره کردید امر تازه ای نیست. حاصل این شرایط برای کارگران و توده مردم عقب افتادن مستمر دستمزدها و شرایط سخت معیشتی و تورم و گرانی و بیکاری و غیره بوده است.

روی دیگر سکه این شرایط اینست که یک مافیای اقتصادی متشکل از دارو دسته های حکومتی شکل گرفته است که دزدی و غارت منابع و ثروتهای جامعه و قاچاق و بازار سیاه و رانت خواری و بقول خودشان "کاسبی تحریم" و انواع فساد مالی جزو خصیصه های ذاتی آن است. بیت رهبری و آیت الله ها و باندهای مختلف و نهادهای مثل سپاه پاسداران و یا بسیج هر یک بخش عظیمی از این اقتصاد مافیائی را تحت کنترل خودش دارد، بندرها و فرودگاهها و امپراطوری مالی و تجاری خودش را دارد و همگی مشغول پر کردن جیبهای گشاد خودشان هستند. هر از چند گاهی هم دزدیهای چندین هزار میلیاردی یکدیگر را رو میکنند بی آنکه در این روند بخور و بچاپ هیچ وقفه ای بیفتد.

این وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی است و این

مبتکر این نبود. توده مردم با زنجیره های انسانی که تشکیل میدهند به آلودگی آب و هوا و تخریب محیط زیست اعتراض میکنند. نمونه دیگر جنبش چهل هزار امضا است برای افزایش دستمزد. این جنبش هم یک حرکت ادامه دار و تعرضی است. معمولاً مبارزه علیه دستمزد در ماههای آخر سال و در اعتراض به تصمیمات شورایی عالی کار شروع میشد و بعد از چند هفته فرو میخوابید ولی جنبش چهل هزار امضا برای افزایش دستمزد اینطور نیست. اولاً خواست این جنبش افزایش حداقل دستمزد به دو میلیون تومان است و نه فقط دریافت دستمزدهای عقب افتاده و یا صرفاً در عکس العمل نسبت به تصمیمات شورایی عالی کار. یعنی اولاً یک خواست تعرضی را مطرح میکند و ثانیاً حرکتی فصلی و مقطعی نیست بلکه مستمر و ادامه دار است.

به این ترتیب، ما در عرصه های مختلف شاهد جنبشهای اعتراضی اجتماعی هستیم که از نظر کیفی و کمی با گذشته متفاوت هستند.

محمد کاظمی: اجازه بدهید یک مقدار در مورد علل و زمینه های سیاسی و اجتماعی این جنبشها و این فاز تازه صحبت بکنیم. اگر مساله بحران اقتصادی و سیاسی است این مساله تازه ای نیست. به قدمت عمر جمهوری اسلامی است. اگر

مساله گرانی و تورم و بیکاری است این هم تازه نیست. بنابراین این سننوال پیش می آید که شکلگیری این اعتراضات در مقطع حاضر به چه علت است؟ آیا این شرایط حاصل روی کار آمدن دولت روحانی است؟ آیا بالا رفتن اختلافات بین اصولگرایان

نیست که فقط علیه یک مورد حکم اعدام اعتراض میکنند و مساله تمام میشود. با شکل گرفتن جنبش مادران بخشش، اعدامی های زیادی از طناب دار نجات پیدا میکنند. و یا در حرکت وسیعی که علیه حجاب شروع شده است، هزاران زن حجابها را بر میدارند و عکسشان را روی سایتها منتشر میکنند و علیه حجاب نظر و کامنت میدهند. ظرف این حرکت صفحه فیسبوکی است تحت عنوان آزادیهای یواشکی که به نظم اسم درست ترش لغو عملی حجاب است و یا همانطور که آن آخوند امام جمعه گفت جنبش بی حجابی کامل. جنبش بی حجابی کامل براه افتاده است. این دیگر بد حجابی نیست، که معمولاً زنان اول تابستان روسری هایشان را بالاتر میبندند. آن هم یک نوع اعتراض بود ولی اینجا دیگر میروند جلوی دفتر فلان آیت الله و یا زیر تابلوی تبلیغات و شعارهای حکومتی نظیر "خواهرم حجاب عفت تو است" یا کنار ماشین گشت ارشاد حجابشان را بر میدارند و عکس میگیرند و عکسشان را روی سایتها میگذارند. به این معنی این اعتراضات کیفیتاً یک حرکت جدیدست، یک جنبش و یک اعتراض ممتد است و توده های مردم در روابط و مناسبات اجتماعی و طبیعی و واقعی خودشان درگیر این مبارزات هستند.

حزب ما به این حرکتها به عنوان جنبشهای اعتراض اجتماعی رجوع میکند. و فقط هم مساله حجاب و اعدام نیست. مثلاً علیه آلودگیهای محیط زیست می بینیم یک حرکت اعتراض اجتماعی شروع شده. هیچ حزبی فراخوان دهنده و

دور متفاوت هستند. ما این مبارزات را جنبشهای اعتراض اجتماعی نامیده ایم. یعنی اولاً جنبش هستند به این معنی که یک مبارزه مقطعی نیست. با مثلاً اعتصاب فرق میکنند که خواست معینی دارد و شروع و پایانش مشخص است. و یا شورشهایی شهری که ناگهانی رخ میدهد و در طول حیات جمهوری اسلامی بارها اتفاق افتاده است. در شهرهای اهواز و آبادان و در تبریز و در تهران. مهمترین و بزرگترین این خیزشهای شهری که شکل یک انقلاب بخود گرفت خیزش سال ۸۸ بود. اتفاقاتی که امروز شاهد هستیم از نوع هیچیک از اینها نیست.

از سوی دیگر نوع دیگری از مبارزات هم هست که بوسیله احزاب و نیروهای سیاسی سازماندهی میشود. مثل کارزار نجات سکینه از سنگسار که کمیته علیه سنگسار و حزب ما مبتکر و سازماندهنده اش بود و ابعاد وسیع جهانی پیدا کرد و در ایران هم وسیعاً منعکس شد. روشن است که مبارزات جاری از این نوع هم نیست. این اعتراضات، هم با تظاهرات و اعتصابات و شورشهای موردی و مقطعی متفاوت است و هم با کمپینها و حرکتهای حزبی تفاوت دارد. در این دوره حتی کمپینی نظیر کمپین نجات ریحانه که با کوشش و تلاش مینا احدی و جمع کوچکی از فعالین علیه اعدام در خارج کشور شروع میشود به سرعت در داخل و خارج کشور ابعاد اجتماعی بیسابقه ای پیدا میکند.

این مبارزات خصلتی اجتماعی و جنبشی دارند یعنی حرکتهایی مستمر و پیگیر هستند و همچنین خصلتی رادیکال و تعرضی دارند. اینطور

شرکت مردم امر تازه ای است. نمونه مبارزه علیه اعدام را در نظر بگیرید. این مبارزه مدتهاست در جامعه ایران شکل گرفته است. بخصوص کمیته علیه اعدام و حزب ما در این عرصه خیلی فعال بوده است، کمپینهای قدرتمندی در خارج کشور سازمان داده است، در این کمپینها خانواده های محکومین به اعدام با کانال جدید و مینا احدی تماس می گرفتند و حرفشان را میزدند، پرونده عزیزانشان را مطرح میکردند و در موارد متعددی هم حزب موفق شده است محکومین را از اعدام نجات بدهد. از نظر موضوع و مضمون، مبارزه علیه اعدام جدید نیست ولی در این دوره شاهد رشد و گسترش این مبارزه در یک ابعاد اجتماعی هستیم. مردم عادی، خانواده های محکومین به اعدام و زندانیان و بخش های مختلف جامعه علناً بمیدان می آیند، ورزشکاران و هنرمندان، مثلاً در کمپین نجات ریحانه، بیانیه میدهند، از خانواده مقتول میخوانند که ببخشند، نزدیک به دویست هزار نفر از ایران و از سراسر جهان طومار نجات ریحانه را امضا میکنند، و بسیاری مخالفت خود با مجازات اعدام را اعلام میکنند. و یا جنبش مادران بخشش براه می افتد که ابعاد وسیعی پیدا میکند و در عرض مدت کوتاهی تعداد زیادی حکم اعدام لغو میشود بخاطر اینکه مادران و وابستگان قربانیان با حکم اعدام مخالفت میکنند. اینها همه جدید است. یعنی مبارزات هم از نظر کمی گسترده است و هم مردم عادی در آن درگیر هستند.

خصوصیت دوم اینست که از نظر کیفی هم مبارزات در این

وضعیت سیاسی در ایران و دوره نوین مبارزات مردم

مصاحبه تلویزیونی کانال جدید با حمید تقوایی

وضعیت دیگر قابل ادامه نیست. بخصوص تحریمها این سیستم را با یک نوع فلج اقتصادی روبرو کرده است و رژیم را برای پیدا کردن راه برون رفتی از این شرایط به تکاپو انداخته است.

از طرف دیگر از نظر سیاسی هم خط خامنه ای - احمدی نژاد و جناح اصولگرا که بر طبل غریبستیزی و اسلام ضد آمریکائی میکوبید و مثلاً اعلام میکرد تحریمها نعمت است و غیره، این خط هم به بن بست رسیده است و حتی در درون خود حکومت خریدار چندان ندارد.

در اثر این شرایط بود که خامنه ای و اصولگرایان ناگزیر شدند به روحانی رضایت بدهند. یکی از پیامدهای بن بست و فروپاشی اقتصادی و بحران سیاسی جمهوری اسلامی، عقب نشینی خط اصولگرا، یعنی خط رسمی حکومت، - و دست بالا پیدا کردن خط روحانی - رفسنجانی در حکومت بود. اساس مساله برای هر دو این جناحها و کل رژیم این بود که جامعه را نمیتوانستند آرام نگهدارند. اینها میدانستند که مردمی که دیگر زندگی چند مرتبه زیر خط فقر و بیکاری و گرانی سرسام آور را نمیتوانند تحمل کنند آرام نخواهند نشست و بقول خودشان ممکن است فتنه بزرگ، فتنه ای بزرگتر از ۸۸ در راه باشد. این هراسی که از انفجارات اجتماعی داشتند نهایتاً حکومت را وادار کرد که از نظر سیاسی کوتاه بیاید و به خط اعتدال و تعامل با غرب روحانی - رفسنجانی رضایت بدهد.

اما همان مسائلی که به روی کار آمدن روحانی منجر شد با انتخاب او نه تنها تخفیف پیدا نکرد بلکه تشدید شد. چون

جامعه بدرست عقب نشینی اصولگرایان را بحساب پیشروی و پیروزی خود گذاشت. یک فرق اساسی شرایط سیاسی امروز با مثلاً دوره خاتمی اینست که مردم هیچ نوع توهمی به اصلاح طلبی و اصلاح طلبان حکومتی ندارند و حتی هیچ نوع توسل تاکتیکی و امکانگراییه ای به روحانی وجود ندارد. دوره خاتمی اینطور نبود. حتی در خیزش انقلابی ۸۸ موسوی و کروبی برای مردم نقش بهانه ای برای نشانه گرفتن کل نظام را ایفا کردند. اما امروز روحانی حتی این جایگاه را هم ندارد. مردم حتی از سر امکانگرایی هم حسابی روی روحانی باز نکرده اند. به درست در روی کار آمدن روحانی عقب نشینی ولی فقیه و شکست خط رسمی حکومت را میبینند و نه هیچ نوع اصلاح و رفرمی در حکومت و یا در جامعه را. مردم حرف خودشان را میزنند و برای خواستهای برحق خودشان مبارزه میکنند. نه مساله حجاب و نه مساله اعدام، که الان مورد توجه اساسی جامعه است، موضوع بحث و جدل و یا گفتمان و حتی وعده وعیدهای هیچ جناحی از حکومت نبوده است. اگر در میان بالائی ها امروز کشمکش بر سر این مسائل در گرفته است، مثل بحث بهشت و جهنم و غیره، این را مردم به حکومت تحمیل کرده اند. این حرکات اعتراضی مردم است که بالائی ها را بجان هم انداخته است.

محمد کاظمی، به رابطه جمهوری اسلامی با غرب در نوشته ها و اسناد متعدد حزبی پرداخته شده است و شما هم به این مساله اشاره کردید. در اینجا میخواستم در رابطه با مبارزات

مردم به این مساله بپردازیم. اولاً این رابطه جمهوری اسلامی با غرب به کجا خواهد کشید و ثانیاً اگر اینها بر سر مساله هسته ای به توافق برسند آیا تحریم ها رفع میشود؟ و در این صورت آیا وضع مردم بهتر نخواهد شد و در نتیجه اعتراضات و مبارزات مردم افت خواهد کرد؟

حمید تقوایی: مسائل و مصائب مردم با تحریمها شروع نشده است که با رفع تحریمها بر طرف بشود. ممکن است رفع تحریمها از نظر کارکرد سرمایه ها فرجی برای رژیم باشد ولی حتی اگر کاملاًم تحریمها رفع بشود تازه دوره ریاضت کشی اقتصادی و کمربندها را سفت کنید و فداکاری کنید و بازسازی اقتصاد ملی و خزعاتی که از همین امروز دارند مطرح میکنند فرا میرسد. بنابراین تا آنجا که به کارگران و مردم زحمتکش مربوط میشود مساله تفاوت چندان نمیکنند. در دوره انقلاب ۵۷ و در اوایل روی کار آمدن جمهوری اسلامی، وقتی بنی صدر اعلام کرد "شورا پورا مالیده باید کار کنی جانم" و حمله به شوراها را کارگری را شروع کردند، این ضرب المثل در در میان کارگران سرزبانها افتاده بود که "کارگر مرغ عزا و عروسی است". هم در بحران سرش را میسبرند و هم در رونق. هر شرایطی پیش می آید فداکاری را باید کارگر انجام بدهد. اگر تحریم و بحران و شرایط وخیم اقتصادی است کارگران باید بیشتر کار کنند و کمتر بخواهند و اگر هم گشایشی در اقتصاد حاصل شود و چرخ سرمایه ها به راه بیفتد بازهم باید کارگر به ریاضت کشی اقتصادی تن بدهد

و "اقتصاد ملی" را بازسازی نکند. بنابراین اینطور نیست که اگر تحریمها رفع بشود در وضع مردم بهبودی حاصل خواهد شد.

بخش دیگر سؤال شما این بود که آیا بن بست و بحران اقتصادی حکومت میتواند حل بشود؟ به نظر من ممکن است مذاکره بر سر پروژه هسته ای به جانی برسد ولی مساله رابطه غرب و جمهوری اسلامی فراتر از صرفاً پروژه هسته ای است. مساله هسته ای ظرف و چارچوب طرح و روی میز گذاشتن مسائل پایه ای تری است که به کل رابطه غرب با جمهوری اسلامی مربوط میشود. این رابطه بر مبنای اسلام ضد غربی و آمریکائی ستیزی پایه ریزی شده است. جمهوری اسلامی دارای یک هویت ضد غربی و بقول خودش ضد شیطان بزرگ و "ضد استکبار جهانی" است و در سیاست خارجی و در موقعیت منطقه ای و در رابطه با مردم و جامعه این هویت اسلام ضدغربی نقش تعیین کننده ای ایفا میکند. هیچ دیکتاتوری ای نمیتواند در تعریف ایدئولوژیک و استراتژیکی که از خودش بدست داده است تجدید نظر کند و همچنان سر کار بماند. جمهوری اسلامی هم همین وضعیت را دارد. جمهوری اسلامی قادر نخواهد بود که به یک نوع اسلام مثلاً نوع حزب عدالت و توسعه ترکیه عقب بنشیند و در قدرت باقی بماند. نه غرب، بلکه جامعه به او اجازه نمیدهد. غرب که اصلاً هدفش اینست که جمهوری اسلامی را به یک نوع "اسلام خوش خیم" تبدیل کند. یعنی یک نوع اسلام قابل قبول و قابل هضم در سیاستهای جهانی سرمایه داری غرب. ولی مشکل رژیم اینست که مردم نمی پذیرند. مردم به هیچ نوع حکومت اسلامی رضایت نمیدهند. از همین الان این موج پذیرفتن شروع شده است. این اعتراضات اجتماعی جاری در واقع آغاز طوفانی است که نشان میدهد استحاله رژیم به اسلام نوع دیگر ممکن نیست. این ممکن نیست که حکومت در رابطه با غرب کوتاه بیاید و از

اسلام ضد آمریکائی دور بشود و مردم هم فقط نظاره گر باشند. بهمین دلیل امروز دغدغه اصلی مقامات و رسانه های اصولگرا مثل کیهان شریعتمداری اینست که اسلامیت و ضد آمریکائی گری حکومت رقیق نشود. مساله شان اینست که اگر حجاب کنار برود نظامشان فرو میریزد و صریحاً دارند همین را میگویند. جناح اصولگرا متوجه هست که جمهوری اسلامی نمیتواند در رابطه با غرب کوتاه بیاید. نه به این خاطر که از نظر ایدئولوژیک ضد آمریکائی است، بلکه بخاطر وجود و بقای نظام و حکومتش. میدانند که با رقیق شدن اسلام حکومتی، موقعیت و ثروت و قدرت شان، کل حکومت و همه باندهای حکومتی، به خطر می افتد. بهمین دلیل ما همیشه گفته ایم که مساله رابطه با غرب برای رژیم یک پارادوکس است. از یک طرف ناگزیر است رابطه خودش با غرب را متعارف کند بخاطر اینکه بن بست اقتصادی و بحران سیاسی اش را تخفیف بدهد، و از طرف دیگر هر چه بیشتر به غرب نزدیک بشود خصلت و هویت اسلامی و شمشیر اسلامی که علیه جامعه کشیده است بیشتر تضعیف و کند میشود و زمینه تعرض بیشتر مردم فراهم میشود. این حکومت نمیتواند این تناقض را حل کند. راه حل نهائی این مساله سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم است.

محمد کاظمی: از انقلاب صحبت کردید و بالاتر هم در رابطه با جنبشهای اعتراضی مردم توضیحات مشروحی دادید. سؤال اینست که رابطه این جنبشهای اعتراضی با انقلاب چیست؟ آیا ما در آستانه یک انقلاب دیگری هستیم؟

حمید تقوایی: به نظر من انقلاب محتمل ترین تحولی است که ممکن است در ایران رخ بدهد. در این تردیدی نیست. این

وضعیت سیاسی در ایران و دوره نوین مبارزات مردم

مصاحبه تلویزیونی کانال جدید با حمید تقوائی

شرایط سیاسی و اجتماعی برای توده مردم قابل تحمل نیست و حکومت هم با مسائل پایه ای و تناقضات لاینحلی روبرو است. اما این واقعیت به این معنی نیست که انقلاب امتداد کمی و خطی همین اعتراضات جاری خواهد بود. بنا به تعریف، مساله محوری هر انقلابی مساله دولت و قدرت سیاسی است. انقلاب وقتی شکل میگیرد که توده های وسیع مردم بمیدان می آیند و برای بزیر کشیدن حکومت وارد عمل میشوند. انقلاب مبارزه ای است بر سر بود و نبود دولت و نظام موجود. ممکن است در جامعه ای اعتراضات اجتماعی وسیعی وجود داشته باشد که خیلی هم طولانی و عمیق باشد ولی نتوان به آن انقلاب اطلاق کرد. نظیر مثلا جنبش حقوق مدنی آمریکا در دهه شصت میلادی. به درست کسی این تحول را انقلاب نمی نامد چون مساله اش قدرت سیاسی نبود. و عکس قضیه هم صادق است. ممکن است تحولی یک جنبش وسیع و ادامه دار نباشد ولی بخاطر در دستور گذاشتن مساله قدرت سیاسی انقلاب نامیده بشود. مثل انقلاب تونس که در عرض چند هفته کار رژیم بن علی را یکسره کرد. تحول تونس انقلاب بود چون حول مساله حکومت شکل گرفت و حکومت را بزیر کشید. به این معنی انقلاب حول مساله متفاوتی از مسائل و مضامین اعتراضات اجتماعی شکل میگیرد که نمیتواند امتداد خطی و کمی آنها باشد. اما در عین حال نکته مهم آنست که اعتراضات موجود در جامعه بیشک تاثیر تعیین کننده ای بر مضمون و عمق و رادیکالیسم انقلابی که در پیش است خواهند داشت و مهر خود

را به انقلاب خواهند زد. امروز وجود اعتراضات اجتماعی که در باره آنها صحبت کردیم به این معنی است که انقلابی که در ایران رخ میدهد انقلابی خواهد بود عمیق و با انتظارات و توقعات انسانی و رادیکال و پیشرو مردم از تحول و تغییر در وضع موجود. از این نقطه نظر انقلاب در ایران مثلا با انقلاب مصر متفاوت خواهد بود. بعنوان مثال یکی از تفاوتها اینست که در جریان و دنبال انقلابی که در مصر اتفاق افتاد، بخاطر اینکه مخالفت با اعدام و خواست لغو مجازات اعدام در جامعه مصر وسیع و توده ای نبود، صحبتی از لغو اعدام بمیان نیامد. حتی رادیکال ترین و پیشرو ترین نیروها و چهره های انقلاب چنین خواستی مطرح نکردند. یکی از عواقب این وضعیت اینست که دولت ارتشی در مصر اخیرا حکم اعدام بیش از شصت نفر را صادر کرده است؛ و جامعه هم عکس العمل قابل مشاهده ای از خود نشان نمیدهد. ولی وضعیت در جامعه ایران کاملا متفاوت است. گفتمان و جنبش گسترده اجتماعی علیه اعدام که در جامعه امروز ایران شاهد هستیم اجازه نخواهد داد که تجربه مصر در ایران تکرار بشود. همین امر در مورد موضوعاتی نظیر برابری زن و مرد و یا جدایی مذهب از دولت و یا خواست آزادیهای بی قید و شرط نیز صادق است.

موضوعات و اعتراضاتی که در شرایط امروز ایران شاهد هستیم نشان دهنده عمق و رادیکالیسم انتظارات و توقعات مردم است. انتظار و توقع مردم اینست که با سرنگونی حکومت اسلامی اعدام متوقف خواهد

شد؛ که هر نوع تبعیضی نسبت به زنان از بین خواهد رفت؛ که مذهب در دولت و در قوانین و در سیستم قضائی و در سیستم آموزشی جانی نخواهد داشت؛ که حکومت کاملا سکولار خواهد بود؛ که جوانان حق دارند شاد باشند و یک زندگی مدرن و امروزی داشته باشند؛ که مدیای اجتماعی و ابزار نظر و عقیده کاملا آزاد خواهد بود؛ که گرانی و تورم و فقر و فلاکت و بیکاری و بی تاملی اقتصادی خاتمه خواهد یافت و غیره. اینها توقعات و خواسته های جامعه است. نه فقط نیروهای سیاسی انقلابی در اپوزیسیون بلکه هنرمندان و ورزشکاران و نهادهای کارگری و توده های مردم و حتی زندانبانان سیاسی از درون زندانها دارند این خواستها را اعلام میکنند. اینها حرکتها و رخدادهایی است که باعث میشود انقلاب آتی در ایران تحولی بسیار عمیق و ریشه ای و انسانی باشد و اجازه ندهد نیروهای ارتجاعی بسادگی سر انقلاب را ببرند. به نظر من تاثیر این جنبشهای اعتراضی بر انقلاب آتی در ایران عمیق تر شدن و رادیکال تر شدن و انسانی تر شدن انقلاب خواهد بود.

محمد کاظمی، بعنوان سوال آخر فکر میکنید نقش احزاب سیاسی علی العموم و مشخصا حزب کمونیست کارگری در قبال اعتراضات جاری چیست؟ حزب چه سیاستهایی را در رابطه با این تحولات اتخاذ کرده است؟

حمید تقوائی، روشن است که احزاب خالق اعتراضات اجتماعی نیستند ولی میتوانند

نقش مهمی در سیر و سرانجام این اعتراضات ایفا کنند. اینکه اعتراضات و مبارزات چه روندی طی خواهند کرد و تا چه حد تضعیف و یا تقویت خواهند شد، به چه نتیجه ای میرسند و غیره تماما بستگی دارد به نقش احزاب و جنبشهای سیاسی موجود در جامعه. هر حزبی بر اساس پایگاه طبقاتی و منافع طبقاتی ای که نمایندگی میکند اهداف و سیاستهای مشخصی را دنبال میکنند. و بر این اساس سعی میکنند بر جنبشهای در راستای اهداف و سیاستهای خودش قرار بدهد. امروز در ایران جنبش و نیروها و احزاب ملی - اسلامی فعال اند. این نیروها هدفشان در نهایت حفظ همین نظام با تغییرات و مرمتهای این نیروها است. این نیروها آنجا هم که اعتراضی میکنند تلاششان اینست که همه کاسه کوزه ها را به سر جناح اصولگرا بشکنند و جناح و خط نوع خاتمی - روحانی را از زیر ضرب بدر ببرند. مثلا در مبارزه علیه حجاب سعی دارند از عمیق و رادیکال شدن این حرکت تا سطح جدالی مربوط به آزادی و رهائی زن جلوگیری کنند و مساله را در بهترین حالت در قالب آزادی پوشش محدود نگهدارند. کلا تلاش جنبشها و احزاب و نیروهای سیاسی راست محدود کردن و به عقب راندن و در نهایت به شکست کشاندن مبارزات و اعتراضات اجتماعی است.

حزب ما با هدف تعمیق و رادیکالیزه کردن این اعتراضات و خنثی کردن و به عقب راندن سیاستها و اهداف نیروهای راست در اعتراضات اجتماعی شرکت میکند. مثلا در جنبش علیه اعدام اولاً ما نه فقط مخالفت با این یا آن حکم اعدام بلکه هدف لغو مجازات اعدام در هر شکل و به هر بهانه ای را دنبال میکنیم. و ثانياً نه فقط اعدام بلکه کل سیستم قضائی جمهوری اسلامی که اعدام تنها سر پینجه های خونین آنست را بجالش میکشیم. یا در مبارزه علیه حجاب سعی میکنیم مساله را از آزادی پوشش فراتر ببریم و آنرا در متن

و چارچوب مساله بیحقوقی و فرودستی فاحش زنان در جمهوری اسلامی قرار بدهیم و امر رهائی و آزادی کامل زن را به امر فعالین این جنبش بدل کنیم. یا مبارزه بر سر حق جوانان در شاد بودن و ابراز شادی را بعنوان وجه مشخصی از مبارزه برای خلاصی از کل فرهنگ ارتجاعی اسلامی و عقب مانده حاکم دنبال میکنیم. منظور من تغییر مضمون و یا ناچیز و بی اهمیت جلوه دادن اهداف مشخص این مبارزات. لغو اعدام و حجاب و آزادی جوانان در شاد بودن و غیره نیست. متعین و مشخص بودن این خواستها نقطه قوت جنبشهای اعتراضی است و باید با تمام قوا برای تحقق آنها مبارزه کرد. منظور من اینست که ما در عین حال موظفیم که در دل این مبارزات دست به ریشه ببریم و نقد کل سیستم موجود را به یک درک و گفتن عمومی در میان فعالین این جنبشها و در کل جامعه تبدیل کنیم. این خود یک شرط تحقق خواسته های مشخص همین مبارزات هم هست.

ما میخواهیم اولاً این حرکتها را از نظر کمی بیشتر گسترش بدهیم و فعالین و مبارزین بیشتری را در آنها درگیر کنیم. یک ابزار این کار کانال جدید است که میتواند این همبستگی و اتحاد را ایجاد کند. و ثانياً سعی میکنیم از نظر کیفی خواستها را عمیق تر کنیم، رادیکال تر کنیم و هر چه بیشتر جنبه های انسانی را در این اعتراضات برجسته کنیم. یکی از ملزومات این امر اینست که به احزاب و نیروها و جنبشهای راست و سازشکار و ملی - اسلامی و یا سلطنت طلبها اجازه ندهیم که این اعتراضات را به عقب بکشند و آنها را مثلا به یک شاخه خط استحاله رژیم، از نوع دوازدادی و یا نوع آمریکائی، تبدیل کنند. ایستادگی در برابر این تمهیدات و خنثی کردن آنها یک جنبه دیگر از وظایف ما است.*

دعواها بر سر چیست؟

کاظم نیکخواه



اقتصاد بحران زده جمهوری اسلامی راه حلی برای نجات دارد و نه عقب راندن مردم به هیچ شیوه ای برای این حکومت ممکن است. مذاکرات و رفع تحریمها و مساله اتمی نیز کماکان ادامه دارد و به هرجایی هم برسد دردی از دردهای حکومت و مردم دوا نمیکند.

نتیجه این که این نزاعهای بالایی ها، و خشم و نفرت مردم پا به پای هم ادامه خواهد یافت و گسترش بیشتری خواهد یافت. جمهوری اسلامی راهی جز ادامه سرکوب و "راهی کردن مردم به بهشت با شلاق" ندارد. و مردم هم راهی جز انقلاب را پیش روی خود نمی بینند و عملا و وسیعا به مسیر سرنگونی گام گذارده اند.

دوره آتی بی تردید دوره گسترش مبارزات و اعتراضات و شورشهای بخشهای مختلف مردم خواهد بود و هم زمان بحران حکومتی نیز عمق بیشتری و دامنه وسیعتری خواهد یافت.*

ماهه اول حکومتش بیش از ۵۰۰ نفر اعدام شدند و طی یک سال اخیر بیش از ۷۰۰ نفر که شماری نیز سیاسی بوده اند، وحشیانه اعدام شده اند. کارنامه دولت روحانی طی همین یک سال اخیر تماما سیاه و تاریک است.

اما او میخواید با نق زدنهای دموکراتیک مردم را به همان شیوه خاتمی و رفسنجانی و حتی احمدی نژاد در انتظار نگه دارد. و کاری کند که مردم سرکوبها و اعدامها و ناهنجاریها را به پای طرف مقابل بنویسند. امید او اینست که اقتصاد زمین گیر شده حکومت را با معجزه ای از زمین بلند کند تا برای ادامه حیات حکومت راهی باز شود.

و واقعیات سرسخت زمینی هرروز دارند نشان میدهند که نه

نمیخواهند تحقیر و توهین و تبعیض و بی حقوقی را تحمل کنند. جوانان، بازنشستگان، معلمان، پرستاران، کارمندان و در یک کلام همه مردم برای معیشت و منزلت و نفس کشیدن در امنیت، تنها راهی که پیش روی خود می بینند به زیر کشیدن حکومت اسلامی سرمایه داران است. فضای جامعه و مقابله با اعدام و حجاب و اعتراضات و اعتصابات گسترده علیه فقر و گرانی، گویای یک التهاب اجتماعی است که فوران گسترده آن در آینده نزدیک را همه کس میتواند حس کند.

اینجا واقعیات آشکار جامعه ایران است. آخوندها و کسانی که در راس هرم حکومتی نشسته اند این واقعیات آشکار را می بینند. فلج اقتصادی شان را می بینند. انزوای بین المللی گریبانشان را گرفته است. و در نتیجه وحشت وجودشان را میگیرد، و راه برون رفت از این مخمصه مدام مورد بحثشان است. این سرمنشاء اصلی تمام نزاعهای حکومتی است. طبعاً در بطن این نزاعها سهم خواهی از ثروتها و غارتها و از قدرت، جای برجسته ای یافته است. برخلاف تصور برخی سیاسی کاران، دعواهای بالایی حکومت جنگ زرگری نیست. یک جنگ واقعی است که بعضا ابعاد خونینی هم بخود میگیرد.

حسن روحانی خود از پایه گذاران و استراتژیستها و سازماندهنگان تمام سیاستهای سرکوب از ابتدای روی کار آمدن این حکومت بوده است. اکنون هم او الگویش را "مردم سالاری به شیوه امام راحلش" قرار داده است. یعنی دوره کشتارها و اعدامها و جنگ و تاجر دهه شصت آن چیزی است که این آخوند به اصطلاح "مدرن و بنفش" بدنبال آنست. طی شش

خودشان انتخاب میکنند یا به روایت علم الهدی به ضرب شلاق راهی بهشت میشوند و همه چیز به خوبی و خوشی تمام میشود. یا بهتر است بگویم شروع میشود! استقبالی "حوران" و "غلمان" از مردان بهشتی شده... و بعد شنا در استخرهای شیر و آب انار و... بقیه ماجرا. (بیچاره زنان بهشتی حتی در بهشت هم ظاهرا باید فقط به مردان سرویس بدهند و پروردگار عالم برای پذیرایی از آنان تدارک دیگری ندیده است!) بگذریم.

بود و نبود حکومت اسلامی

همه کس در ایران میدانند که بحث فسیلهای حکومتی مطلقاً بر سر بهشت و جهنم نیست. بحث بسادگی بر سر بود و نبود همین امروز حکومت اسلامی است. اختلاف اساسی در بالای حکومت آشکارا اینست که آیا حکومت اسلامی با تشدید سرکوب میتواند به حیات خود ادامه دهد، یا با گرفتن ظاهر "مردم سالاری" و دموکراتیک؟ و هر طرف که میروند و هرچه توی سر یکدیگر میزنند جوابی که روبرویشان قرار میگیرد اینست که: هیچکدام جواب نمیدهد!

این حکومت هرروز دارد در کوچه و خیابان و کارخانه و دانشگاه و همه جا از مردم جواب نه میگیرد. اکثریت عظیم مردم این جامعه عمیقاً میخواهند و وسیعاً در تلاشند که خود را از شر این حکومت غارتگران و دزدان و سرکوبگران خلاص کنند. میلیونها کارگری که زیر خط فقر زندگی میکنند راهی جز به زیر کشیدن حکومت اسلامی برای دستیابی به ساده ترین زندگی انسانی پیش روی خود نمی بینند. میلیونها بیکارانی که یک ریال بیمه بیکاری ندارند فریادشان بلند است. زنان دیگر

این روزها یکی از بحثهای داغ در بالای حکومت اسلامی اینست که آیا مردم را باید به زور به بهشت برد یا خودشان داوطلبانه باید بروند! این بحث بعد از این بالا گرفت که حسن روحانی گفت که بگذارید مردم خودشان راه بهشت را انتخاب کنند. احمد خاتمی امام جمعه تهران و احمد علم الهدی امام جمعه مشهد میگویند وظیفه حکومت اسلامی اینست که مردم را به بهشت ببرد حتی اگر به زور شلاق باشد.

خاتمی جمعه گذشته ۹ خرداد در نماز جمعه تهران گفت وظیفه و رسالت حکومت اسلامی این است که "جاده بهشت را صاف کند، ماموریتش هم این است. حکومت وظیفه دارد جاده را هموار کند برای بهشتی شدن مردم." او اضافه میکند "این که مردم را آزاد بگذاریم هر کاری خواستند بکنند در عرصه اخلاقی، اقتصاد و فرهنگ آزاد باشند امر به معروف و نهی از منکر نداشته باشیم، به صراحت می گویم این معنی مورد تایید هیچکس نیست و معنای نادرستی است."

این سخنان بدنبال حرفهای روحانی در هفته قبل از آن مطرح شد که گفته بود "اینقدر در زندگی مردم مداخله نکنید، ولو به خاطر دلسوزی؛ بگذاریم مردم خودشان راه بهشت را انتخاب کنند، نمی توان با زور و شلاق مردم را به بهشت برد." علم الهدی هم در نماز جمعه مشهد با سخنان روحانی مخالفت کرده و گفته که "شلاق که سهل است، با همه قدرت جلوی کسانی که مانع بهشت رفتن مردم شوند خواهیم ایستاد."

داستان جالبی است. در حال مردم به بهشت خواهند رفت. حال یا به روایت روحانی

حزب کمونیست کارگری حزب کسانی است که میخواهند جامعه و دنیای بهتری بسازند!

حزب کسانی که حاکمیت یک اقلیت مفتخور و بی خاصیت یعنی طبقه سرمایه دار را غیر عادلانه و ضد انسانی میدانند!

این حزب حزب کارگران و مردمی است که مصممند به دیکتاتوری و بهره کشی سرمایه داران از تولید کنندگان ثروتهای اجتماعی برای همیشه پایان دهند. حزب انقلاب انسانی برای جامعه ای برابر و انسانی!

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!



پاسخ به سونامی بیکاری اتحاد سراسری علیه رژیم است

شهلا دانشفر

قطعه سازی در ماه های گذشته حکایت دارد.

بدین ترتیب کارخانجات را به تعطیلی میکشاند و کارگران را از کار بیکار میکنند، چون بحران است. چون "تحریم" است. و این داستان سی و چند سال حاکمیت این رژیم است. این رژیم با اعمال سیاست ریاضت اقتصادی و تشدید تهاجم هر روزه اش به زندگی و معیشت مردم، توانسته است خود را سرپا نگاه دارد و برای این کار ابزار زندان و اعدام را به خدمت گرفته و هر اعتراض و مبارزه ای را زیر سرکوب شدید خود قرار داده است. اما امروز تفاوت اینجاست که این اقتصاد بحران زده از یکسو با بحران جهانی سرمایه داری تقارن یافته است و از سوی دیگر با تحریم های اقتصادی غرب و آمریکا به مراتب تشدید شده و در کشاکش میان نیروهای ارتجاعی و بورژوازی جهانی از یکسو و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی از سوی دیگر این مردم و این کارگران هستند که قربانی میشوند. غرب و آمریکا تلاششان رام کردن این حکومت و کشاندن آن بر سر میز مذاکره است و جمهوری اسلامی برای بقای دو روز بیشترش تقلا دارد. نتیجه مستقیم این وضعیت فقر و فلاکتی است که امروز در جامعه شاهد هستیم و یک عارضه بلافصل آن به تعطیلی کشیده شدن کارخانجات و بخش های مختلف اقتصادی و بیکارسازیهای وسیع کارگران و اضافه شدن هر روزه بر جمعیت عظیم بیکاران است. از جمله يك دلخوشی کل حکومت و هیاهوی تبلیغاتی ای که حول دولت روحانی به راه افتاد، حل معضل رابطه با غرب و کاهش تحریمها و بهبود وضع اقتصاد بود. اما

صفحه ۷

کارگران افغانی، کارگران فصلی، کارگران قرارداد موقت و کسانی که حتی يك ساعت در هفته کار پیدا کنند، بعنوان بیکار به حساب نمی آیند. این درحالیست که باز بنابر گزارشات دولتی در سال ۹۲ میزان بیکاری زنان دو و نیم برابر مردان ذکر شده است.

موج بیکارسازیها در کارخانجات

ابعاد میلیونی بیکاری و موج وسیع بیکارسازیها، بطور واقعی بروزی از فلج اقتصادی رژیم اسلامی است. اقتصادی که نه تنها قدرت جذب نیروی جدید کار را ندارد، بلکه هر روز در شهرهای مختلف کارخانجات بیشتری اعلام ورشکستگی میکنند و کارگران بیشتری از کار بیکار میشوند.

در سه ماهه پاییز گذشته بیش از ۱ میلیون و چهارصد هزار نفر از کار بیکار شدند. همچنین طبق گزارشات دولتی هم اکنون بین ۴۰ تا ۶۰ درصد واحدهای صنعتی در ایران ورشکسته و به حالت تعطیل و ۲۰ درصد به حالت نیمه تعطیل درآمدند و تنها ۲۰ درصد واحدهای صنعتی همانند قبل فعال هستند.

از سوی دیگر بنا بر گزارشی از اتاق بازرگانی ایران، هم اکنون ۶۷ درصد واحدهای صنعتی کشور تعطیل شده اند و این ورشکستگی در برخی از صنایع مانند نیشکر، چای، فولاد و ذوب فلزات و صنعت خودروسازی بیشتر از صنایع دیگر بوده است. بدین ترتیب با تعطیلی کارخانه های خودروسازیها حدود ۱۳۷ واحد قطعه سازی نیز به طور کامل تعطیل شده اند و گزارشات از بیکارسازی ۱۳۰ هزار کارگر شاغل در صنعت خودروسازی و

آمار و ارقامشان نیز اشاره بر همین حقیقت دارد.

"سونامی خیل بیکاران در آینده نزدیک در ایران"

این عنوان خبری در رسانه های دولتی است. آمار حکومتی از رسیدن نرخ بیکاری جوانان به مرز هشدار دهنده و از دست کم ۱۰ میلیون فارغ التحصیل دانشگاهی و عدم امکان ورود آنان به بازار کار سخن میگوید. در همین راستا علی ربیعی وزیر کار روحانی از وارد شدن ۴،۵ میلیون نفر دانشگاهی دیگر به بازار کار و سونامی ۶،۵ میلیونی بیکاران فارغ التحصیل دانشگاهی صحبت میکند.

علی ربیعی همچنین در بهمن ماه گذشته نسبت به افزایش شمار بیکاران به ۱۰ میلیون نفر در آینده نزدیک هشدار داد. قبل از آن نیز طیب نیا وزیر اقتصاد روحانی از ۸ و نیم میلیون بیکار که ۵ میلیون آن نیروی بیکار جوان است، تحت عنوان "بحران بیکاری" جوانان سخن گفت. در برابر چنین سیلی از نیروی آماده بکار عادل آذر رئیس مرکز آمار ایران در آذر ماه ۹۲ گزارش میکند که از سال ۸۴ تا ۹۱ بالغ بر ۷ میلیون نفر به سن کار رسیده اند که از این تعداد ۵۶۰ هزار نفر شاغل شده اند.

گفتنی است که مرکز آمار ایران در پاییز ۹۲ میزان کارگران شاغل را حدود ۲۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر گزارش میدهد که بنابر معیارهای این مرکز افرادی که در طول هفته دست کم يك ساعت کار کنند شاغل محسوب می شوند! به این ترتیب بخش زیادی از شاغلین محاسبه شده در این گزارش کارگران بیکاری هستند که در آمار رژیم جایی ندارند. در این آمار زنان خانه داری که کار و در آمدی ندارند،

این سیل عظیم بیکاری، جامعه را به مرز انفجار رسانده است. وحشت رژیم نیز از همین است و هر روز به هم هشدار میدهند و نزاعهایشان بر سر این موضوع بالاست. چیزی که چندی پیش از آن بعنوان يك "معضل داخلی" ایران سخن گفتند.

این وضعیت بیش از هر چیز نتیجه بن بست اقتصادی حکومت اسلامی است که با چپاول و سرکوب روز میگذراند. این وضعیت همچنین بیانگر پوسیدگی سیستمی است که در آن مشتت مفتخور و انگل سرمایه دار حکومت میکنند و با قبضه کردن همه ثروتهای جامعه و منابع تولید، میلیونها انسان را در زنجیر اسارت خود نگاه داشته اند که نه کاری دارند و نه معاشی.

نکته قابل توجه اینجاست که در برابر چنین جهنمی از فقر و بیکاری و بی تأمین، مردم ساکت نایستاده اند، و جامعه ای را می بینیم که خواستهایی دارد و مدام به اشکال مختلف بر آنها پافشاری میکنند. از جمله اعتراض در محیط های کار هر روز گسترش بیشتری می یابد و در کنار آن جنبش اعتراضی مردم در عرصه های مختلفی چون حجاب، علیه تخریب محیط زیست، علیه دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و در جنگی دائمی علیه قوانین ارتجاعی اسلامی هر روز سازمان یافته تر جلو می آید.

در چنین فضای سیاسی متحولی، سونامی بیکاری در ایران و ابعاد فاجعه بارش در واقع سونامی ای است که کل جامعه را بدون شك به لرزه در خواهد آورد. وحشت رژیم اسلامی نیز از همین است و هشدارهای مقامات مختلف حکومتی و

گزارشات از ابعاد فاجعه بار بیکاری خیر میدهد. طبعاً آمار دقیقی از نرخ بیکاری در ایران نیست. آمار و ارقام حکومت نیز به هیچوجه ابعاد فاجعه بار این معضل اجتماعی را بیان نمیکند. اما نگاهی به آنچه هر روزه در جامعه میگذرد و همان آمار و ارقامی که در دل نزاعهای درون حکومتی انتشار می یابد، به روشنی از ابعاد فاجعه ای به نام بیکاری پرده بر می دارد. امروز در ایران بیکاری دردی اجتماعی است و ابعاد تکاندننده آن و بی تأمین مطلق بیکاران به مصیبت بزرگی برای بخش عظیمی از جامعه تبدیل شده است. در نتیجه خانواده های زیادی به تلاشی کشیده شده اند و کودکان بسیاری از چرخه تحصیل خارج شده و به تعداد کودکان کار و خیابان افزوده شده است. بطور مثال در بسیاری اوقات ناگزیر چندین خانواده با هم زندگی میکنند و بار آن به دوش تنها يك نفر شاغل است. بسیاری از کارگران در طول يك ماه ممکن است تنها سه روز کار گیرشان بیاید، آنهم با دستمزدی حتی کمتر از ۶۰۷ هزار تومانی که دولت تعیین کرده و چندین برابر زیر خط فقر است. همچنین بسیاری از جوانان بخاطر بیکاری و بخاطر فقر امکان ازدواج کردن و تشکیل خانواده را ندارند و نان آور خانواده و پدر و مادر پیر و بازنشسته خود هستند. در این میان جوانان بسیاری به کام اعتیاد افتاده اند. گزارشات همچنین از سونامی "خیل بیکاران در آینده نزدیک در ایران" حکایت دارد.

بیکاری وسیع میلیونی در کنار گرانی وحشتناک و رشد سرسام آور آن و محرومیت از بیمه بیکاری و بی تأمین مطلق

پاسخ به سونامی بیکاری اتحاد سراسری علیه رژیم است

اکنون بعد از یکسال این امیدشان نیز راه به جایی نبرده است. از جمله خامنه‌ای با گفتن اینکه حتی اگر مذاکرات به نتیجه برسد، تحریم‌ها کاهش نمی‌یابد بر روی دست همه آب پاکی ریخت.

در چنین وانفاسایی است که صاحبان سرمایه هم بار خود را بسته و هر چه بیشتر از گرده کارگر کار می‌کشند و با تل انبار کردن ثروتهای میلیاردی، زندگی و معیشت کارگر را به تباهی میکشند. دزدی و چپاول و فساد از بالا تا پایین این حکومت را گرفته است و دولت سرمایه حاکم نیز حامی صاحبان سرمایه است و هر جا صدای اعتراضی بلند میشود با زندان و سرکوب پاسخ داده میشود. حراست و انواع نیروهای سرکوبگر دیگر را نیز در محیط‌های کار حاکم کرده‌اند تا کل این سناریوی دزدی و سرکوب به پیش برده شود.

این بطور خلاصه داستان واقعی فقر، گرانی، بیکاری و فلاکت فاجعه باری است که بر جامعه و بر زندگی مردم حاکم کرده‌اند. بیکارسازی‌های عظیم نیز در متن چنین شرایطی در جریان است.

جدال کارگران و مردم با حکومت

فقر، گرانی، بیکاری موضوعات جدال و جنگ هرروزه میان مردم و حکومت است. مبارزه کارگران علیه بیکارسازیها که بسیاری از آنها با معضل دستمزدهای پرداخت نشده نیز روبرویند، بویژه در یک ساله اخیر یکی از موضوعات داغ تجمعات اعتراضی در مقابل مراکز دولتی از جمله مقابل کارخانجات، فرمانداریها، استانداریها، مجلس اسلامی، دفتر روحانی و غیره در شهرهای مختلف بوده است.

به اعتراضات کارگران در همین ده روز اخیر نگاه کنیم.

بیش از دو هفته تجمع و تحصن ۵۰۰۰ کارگر معدن بافق کرمان، یک هفته اعتصاب، تجمع و راهپیمایی کارگران پروفیل ساوه که ۱۴۰۰ کارگر در آن به کار اشتغال دارند، تجمعات چندین روزه کارگران قطار شهری اهواز، تجمع اعتراضی کارگران پیمانی پتروشیمی شازند اراک، تجمع اراک در مقابل فرمانداری اراک با خواست استخدام در پروژه اورحال پالایشگاه "امام خمینی" شازند، تجمع اعتراضی ۲۷۵ کارگر اخراجی ذوب آهن اردبیل در مقابل اداره کار این شهر، اعتصاب ۴۵۰ کارگر سد بنیر مریوان، تجمعات ۴۰۰ کارگر ایران تایلر در مقابل وزارت کار علیه بیکارسازیها، همه و همه بیانگر حال و هوای محیط های کارگری در ایران است که تاثیر خود را بر فضای سیاسی شهرها نیز گذاشته است.

این اتفاقات در حالی صورت میگیرد که ۴۰ هزار کارگر با امضای طوماری خواستار لغو مصوبه دستمزد رژیم و افزایش دستمزدهایشان هستند. با وجودیکه جعفر عظیم زاده از رهبران این حرکت در بند ۲۰۹ اوین در زندان است و او را برای انحلال اتحادیه آزاد کارگران ایران که مبتکر این حرکت است، زیر فشار گذاشته‌اند، رهبران این اتحادیه طی نشستهای اعلام میکنند که تشکیل حق آنهاست و بر پیگیری خواست این ۴۰ هزار کارگر تاکید میکنند و جعفر عظیم زاده در زندان نیز بر روی همین حق و حقوق ایستاده است.

این اتفاقات در حالی صورت میگیرد که رهبران کارگری در زندان چون شاهرخ زمانی، محمد جراحی طی پیامی از زندان از یک هفته کارزار در همبستگی با کارگران ایران که از سوی نیروهای سیاسی مختلف در خارج کشور اعلام شده پشتیبانی میکنند و همگان را به شرکت

فعال در آن دعوت میکنند. همچنین این اتفاق در حالی صورت میگیرد که رهبران کارگران از زندان و تشکلهای کارگری طی بیانیه‌هایی پرشور اعتراض خود را به حضور هیات رژیم اسلامی در سازمان جهانی کار اعلام میکنند. اینها همه حکایت از رودرویی کارگران و مردم با رژیم اسلامی و جلو آمدن هر روزه اعتراضات کارگران و کل جامعه است. اینها همه نشانگر بن بست رژیم اسلامی و استیصال آنست.

یا کار، یا بیمه بیکاری

ارتش میلیونی بیکاری و در راس آن نیروی بیکار جوانان، نیروی بزرگی برای یک اعتراض سراسری علیه بیکاری با شعار یا کار یا بیمه بیکاری است. مهم اینست که در برابر معضل عظیم بیکاری، جوانان و مردم داشتن یک زندگی انسانی را حق مسلم خود بدانند و با خواستههای روشنی برای حق و حقوق خود به میدان بیایند.

همچنین در تقابل با ابعاد فاجعه باری بیکاری، نیاز فوری به جنبشی قدرتمند و سراسری علیه بیکاری است. ستون و پایه اصلی چنین جنبشی نیز جوانان بیکار هستند. بطور مثال همانطور که علیه تخریب محیط زیست زنجیره‌های انسانی شکل میگیرد و به مبارزات مردم در این عرصه ابعاد هر روز اجتماعی تری داده است، حول معضل بیکاری نیز میتوان در مقابل مراکز دولتی چون مجلس اسلامی، وزارت کار در تهران و ادارات آن در شهرهای مختلف و در مقابل فرمانداریها و استانداریها و غیره جمع شد و خواستههای خود را فریاد زد. میتوان صفحات فیس بوکی را به خدمت سازماندهی چنین مبارزه ای در آورد و جوانان معترض بیکار رهبران چنین حرکتی باشند. میتوان در محلات

جوانان بیکار را سازمان داد. میتوان با ایجاد کانونهایی علیه بیکاری در هر شهر و تبدیل مکانهایی چون وزارت کار و ادارات کار به محل تجمعات اعتراضی علیه بیکاری اعتراضات گسترده ای را شکل داد. تجربیاتی چون تجمع جوانان شازند اراک در مقابل فرمانداری برای استخدام در پروژه اورحال پالایشگاه "امام خمینی" که توانستند فرماندار را ناگزیر به پاسخگویی کنند، میتوانند درسهای آموزنده ای برای تجمع در مقابل کارخانجات و مراکز کار در شهرهای دیگر برای استخدام جوانان آن شهر باشد. و یا استفاده از مدیای اجتماعی و ایجاد گروههای اعتراضی علیه بیکاری در صفحات ویژه فیس بوک و گردآوری نیرو برای جلو بردن اعتراض علیه بیکاری یک شکل دیگر از گردآوری نیرو و سازمانیابی در این عرصه مهم مبارزه است.

همچنین میشود همچون دیگر عرصه های مبارزات اجتماعی، نظیر طومار ۴۰ هزار کارگر بر سر خواست افزایش دستمزد، کارزاری اجتماعی به راه انداختن، در همه محلات در تمام شهرها و در کارخانجات مختلف طومارهای اعتراضی به راه انداختن و با اعلام خواستههایی روشن و انتشارش در سطح مدیای اجتماعی نیروی وسیعی را حول آن گرد آورد. سپس به اتکالی آن به پای تجمعات و اعتراضات گسترده رفت. طومارهایی که در آنها با صراحت بر خواست روشن بیمه بیکاری و تامین کارگران و نیروی آماده بکار در جامعه پافشاری میشود. طومارهایی که خواستش یا کار یا بیمه بیکاری است. طومارهایی که خواستش تعلق بیمه بیکاری به همه افراد آماده بکار اعم از زن و مرد در حد یک زندگی انسانی است. طومارهایی که اعلام میکنند که حداقل دستمزد باید مبنای پرداخت بیمه بیکاری به همه بیکاران باشد و میزان آن همانطور که کارگران در مبارزاتشان اعلام کرده‌اند، باید بیش از دو میلیون و نیم و در حد رقمی باشد که کفاف زندگی

کارگران را بدهد. طومارهایی که در کنار خواست بیمه بیکاری بیمه درمانی و کمک هزینه کافی برای تامین مسکن را به عنوان خواستههای فوری کارگران بیکار طلب میکنند. اینها حداقلهاست. اینها همه سنگرهای است که با جنبشی سراسری علیه بیکاری باید فتحش کرد. مهم این است که ابعاد اجتماعی بیکاری و مصائب آن، ظرفیت جذب وسیع ترین نیروی اجتماعی علیه بیکاری و مصائب دامنگیرش را دارد. میتوان و باید تمام این ظرفیت را به میدان آورد.

رژیم اسلامی سعی میکند در پرتو وجود بیکاری میلیونی و عدم ایمنی شغلی در محیط های کار، در صفوف کارگران تفرقه ایجاد کند. با اتحاد سراسری کارگران بیکار و شاغل باید در برابر تفرقه افکنی های رژیم اسلامی ایستاد. در بسیاری از مبارزات، رژیم با استخدام خودیها و ایجاد تفرقه میان کارگران بیکار تحت عنوان بومی و غیره بومی مبارزات متحد علیه بیکاری را به بیراهه برد. نمونه چنین تشبثاتی را در تجمع اعتراض جوانان بیکار در شازند اراک در مقابل فرمانداری شاهد بودیم. باید در مقابل این توطئه گریها هوشیار بود. خواست کار یا بیمه بیکاری و تامین اجتماعی همه مردم خواست متحد کننده همه کارگران در برابر این تفرقه افکنی هاست.

جنبه دیگر مبارزه علیه بیکاری، مبارزه علیه بیکارسازیها و برداشتن چماق بیکاری از روی سر کارگران شاغل است. بنابراین اتحاد کارگران شاغل و بیکار و اعتراضات گسترده و سراسری علیه بیکارسازیها گام مهم دیگری در مبارزه علیه بیکاری است. البته هم اکنون مبارزه علیه بیکارسازیها گسترده است. گستردگی این مبارزات امکان اعتراضات همزمان کارخانجات مختلفی که در یک شهر بر سر این موضوع جریان دارد را فراهم تر میکند. خصوصا مراکز بزرگی

شکل دادن به یک جنبش وسیع اجتماعی علیه بیکاری عملی و عاجل است

بیکاری در ایران ابعاد یک فاجعه عظیم اجتماعی به خود گرفته است که در عین حال عمق پوسیدگی اقتصاد جمهوری اسلامی و بن بست و بحران و بی‌افقی این حکومت و همزمان وحشت حکومت از به حرکت درآمدن موج سهمگین این نیروی عظیم را عمیقا نشان میدهد. جمهوری اسلامی یک جامعه را به فلاکت کشانده و بیکاری ده میلیونی یکی از نتایج فاجعه بار حکومت مذهبی اقلیتی مفتخور و دزد و فاسد است.

بیکاری یک پدیده ذاتی سرمایه داری در همه جای دنیاست، اما در ایران این مساله به یک معضل و فاجعه بزرگ اجتماعی و یک مساله عاجل اکثریت مردم اعم از کارگران و جوانان بیکار و نیز کارگران شاغل و همه مردم زحمتکش تبدیل شده است که هرروز دارد از مردم قربانی میگردد و زندگی آنها را به جهنمی غیرقابل تحمل تبدیل کرده است.

وزیر کشور جمهوری اسلامی نرخ بیکاری را ۱۴ درصد و برخی مقامات آنرا ۲۰ درصد اعلام کرده اند. بر اساس آمارهای رسمی نرخ بیکاری در بین زنان، جوانان و افراد دارای مدرک دانشگاهی تقریبا دو برابر بیشتر است. در آمارهای رسمی این حکومت کسانی که در طول هفته فقط یک ساعت کار کرده اند، شاغل به حساب آمده و یک میلیون مهاجر افغانی و میلیون ها زن نیز به حساب نیامده اند. آمار واقعی بیکاری بسیار بیشتر از آمار رسمی حکومت است و همچنان و با سرعت رو به افزایش می‌رود. مقامات حکومت جرات اعلام آمار واقعی بیکاری را ندارند اما به اشکال مختلف به ۱۰ میلیون بیکار و به سونامی بیکاری اعتراف میکنند.

شمار این بیکاران با خانواده هایشان قاعدتا از ۲۰ میلیون نفر نیز فراتر می‌رود. حکومت اسلامی سرمایه داران در قبال این میلیونها نفر زن و مرد و کودک هیچ تعهدی بر دوش نگرفته است. نه بیمه بیکاری، نه بیمه درمانی، نه تحصیل رایگان برای کودکان، نه هزینه ایاب و ذهاب و مسکن، و نه هیچ چیز دیگری. زندگی این میلیونها نفر به یک فاجعه تبدیل شده است. کودکان ناچار به ترک تحصیل میشوند تا برای کمک به تامین هزینه های خانواده به خیل کودکان کار و خیابان بپیوندند و دچار هزاران آسیب روحی و فیزیکی شوند. اعتیاد و خودکشی ها افزایش می‌یابد، خانواده ها از هم گسسته میشوند. جوانان از زندگی محروم میشوند، و صدها فشار و مشقت دیگر به این میلیونها نفر وارد میشود که قابل تصور نیست.

قربانی این اپیدمی بیکاری فقط خود بیکاران و خانواده هایشان نیستند. وجود این خیل عظیم بیکار و بی‌تامین و به فقر و مشقت کشیده شده، به اهرمی در دست سرمایه داران مفتخور تبدیل میشود که کارگران شاغل را نیز با بدترین شرایط کار و دستمزدهای بسیار پایین به کار وادار کنند و شیره جان کارگران را بمکند و فضای کنترل و فشار را بر کارگران سخت تر کنند و بعلاوه تامین هزینه زندگی این میلیون ها نفر نیز روی دوش شاغلینی می‌افتد که خود در فقر کامل به سر می‌برند. در یک کلام سونامی بیکاری کل کارگران و معلمان و پرستاران و بخشهای مختلف مردم را زیر فشاری جدی قرار داده است.

این وضعیت بر ضرورت یک حرکت توده ای سراسری علیه بیکاری تاکید میکند. میتوان و باید با یک جنبش گسترده و سراسری علیه بیکاری، حکومت اسلامی را وادار کرد برای کسانی که آماده کار هستند، کار ایجاد کند و یا به آنها بیمه بیکاری مکفی برای تامین یک زندگی انسانی بپردازد. این یک معضل بزرگ اجتماعی است و کل جامعه باید متحد و یکپارچه علیه آن به حرکت درآید. در این میان اتحاد کارگران شاغل و بیکار در مبارزه علیه بیکاری نقشی کلیدی و حیاتی دارد. جمعیت میلیونی کارگران بیکار و میلیون ها فارغ التحصیل دانشگاهها که با بیکاری روبرو هستند

و میلیون ها کارگری که در خطر اخراج و از دست دادن کار میباشند و خانواده های آنها بی‌نیروی عظیمی هستند و میتوانند جنبش قدرتمندی با خواست عاجل و فوری کار یا بیمه بیکاری مکفی شایسته یک زندگی انسانی برپا کنند. جمهوری اسلامی در یک بحران عمیق سیاسی و اقتصادی دست و پا میزند و فضای سیاسی و اعتراضی در جامعه ایران شرایط مناسبی برای سازماندهی یک جنبش اعتراضی علیه بیکاری را بیش از پیش فراهم کرده است. چه در سطح سراسری و چه در هر شهر و محلی باید اعتراض را شروع کرد. باید متشکل شد و دست به تجمعات اعتراضی و زنجیره انسانی و ابتکارات مختلف دیگر زد. حزب کمونیست کارگری کلیه کارگران بیکار، فارغ التحصیلان و همه مردم کارگر و زحمتکش و کلیه فعالین و تشکل های کارگری را به مبارزه متحدانه علیه بیکاری فرامیخواند.

پیش به سوی سازماندهی یک حرکت بزرگ و توده ای علیه بیکاری!

یا کار یا بیمه بیکاری مکفی برای همه کارگران بیکار و همه جوانان و مردم آماده بکار!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ خرداد ۱۳۹۳

۵ ژوئن ۲۰۱۴



یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

مردم سوریه سه سال قبل رای داده اند!

نمایش انتخاباتی اسد در دل جنگ ویرانگری که تا کنون بیش از شش میلیون آواره و صدها هزار زخمی و صد و شصت هزار کشته بجای گذاشته، پوچ تر و بی معنی تر از آنست که بجز خود رژیم اسد و همدستانش در کشتار مردم، نظیر جمهوری اسلامی، آنرا جدی بگیرد. این به اصطلاح انتخابات یک نوع تلاش و مانور سیاسی است برای کسب اعتبار حکومت جلادی که دستش تا آرنج بخون مردم آلوده است. بسیاری از دولتها و نهادهای بین‌المللی این انتخابات را بخاطر اینکه در دل یک جنگ ویرانگر صورت میگیرد محکوم کرده‌اند، اما مساله فراتر از اینست. انتخابات‌های قبلی سوریه هم که در شرایط غیر جنگی صورت می‌گرفت چیزی بیشتر از یک نمایش تهوع آور نبود. بشار اسد بعد از فوت پدرش در دو دوره متوالی به‌عنوان تنها کاندیدا در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرد و

پیروز شد (در انتخابات با شرکت یک کاندیدا شکست خوردن کار مشکلی است!) اسد در واقع رئیس جمهور مادام‌العمری است که کرسی ریاست جمهوری را از پدرش به ارث برده است و انتخابات تنها نمایش فرمالی برای رسمیت بخشیدن به این پست ارثی است. سه سال قبل مردم سوریه نیز مانند مردم مصر و تونس و لیبی علیه همین سیستم ریاست جمهوری مادام‌العمر پیا خاستند و بوسیله اسد و همدستانش کوبیده شدند. امروز رژیم سوریه و حامیانش تلاش میکنند با انتخابات وجهه و اعتباری برای حکومت آدمخوار اسد دست و پا کنند، اما مردم سوریه سه سال قبل با خیزش انقلابیشان رای خود را اعلام کرده‌اند: اسد باید برود! هنوز هم پس از هزاران کشته و میلیونها آواره، هر نوع بهبودی در وضعیت جامعه در گرو تحقق این حکم مردم است.*

جدال "فرهنگی" بر سر بود و نبود حکومت!

در چند ماه اخیر بحث اخلاقیات و فرهنگ اسلامی و در چند هفته اخیر مساله "حجاب و عفاف" به یک موضوع اصلی گفتمان مقامات و رسانه‌ها و به یک مساله مرکزی دعوی جناحها بدل شده است. در نگاه اول اینطور به نظر میرسد که مساله اقتصاد و سیاست خارجی و رابطه با غرب، که در مقطع انتخابات از مسائل حاد و مورد مشاجره حکومتی‌ها بود، جای خود را به مسائل فرهنگی داده است. اما واقعتاً چیز دیگری است. مساله ای که تحت عنوان فرهنگ اسلامی عنوان میشود مستقیماً به اسلامیت حکومت و در نتیجه بود و نبود جمهوری اسلامی گره خورده است. معضل حکومت فرهنگ و ایدئولوژی اسلام نیست، بلکه موجودیت و بقای کل نظام است. برخلاف تبلیغات

در مورد "هجمه فرهنگی غرب" و خزعبلائی از این قبیل، این گسترش اعتراضات مردم است که رژیم را به چنین وضعیتی انداخته است. قرار بود با روی کار آمدن روحانی و در باغ سبز تعامل با آمریکا و رفع تحریمها جامعه در انتظار معجزات دولت تدبیر و اعتدال به شرایط موجود رضایت بدهد، اما عکس قضیه اتفاق افتاد. اعتراضات اجتماعی علیه اعدام و حجاب در ابعاد بی سابقه‌ای گسترش پیدا کرد. آنچه رژیم را به صدور هشدارها و توصیه‌های یک روز درمیان در دفاع از فرهنگ و مقدسات اسلامی و هذیانگویی در مورد جاده بهشت و جهنم و غیره دچار کرده نه دولتهای غربی بلکه مردمی هستند که در عرصه‌های مختلف تعرض به جمهوری اسلامی را آغاز کرده‌اند.*

رکورد حکومت و رکورد مردم!

بعد از شکستن رکورد های جهانی در عرصه اعدام و آلودگی آب و هوا، مدال دیگری نیز نصیب جمهوری اسلامی شد. در نظر سنجی که اخیراً موسسه گلوب اسکن در میان ۲۴ هزار و پانصد نفر انجام داده حکومت ایران در میان ۱۶ کشور به عنوان رژیمی که دارای منفی ترین تاثیرات در شرایط دنیا است شناخته شده است. خامنه‌ای در سخنرانی چند روز قبل اش در سالروز فوت خمینی ادعا کرد مردم دنیا با تعجب و کنجکاوی به جمهوری اسلامی چشم دوخته‌اند و تحولات ایران را دنبال میکنند. ممکن است اینطور باشد ولی باید اضافه کرد که این کنجکاوی و تعجب از ظرفیتهای بی پایان جمهوری اسلامی در شکستن بیابای رکوردهای منفی سرچشمه میگیرد.

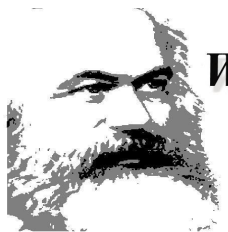
اما در مورد ایران رکورد مثبتی نیز وجود دارد. رکورد سکولاریسم و اتمه‌نیسم و بچالش کشیدن مذهب در زندگی و اعتراضات هر روزه مردم. این رکورد را هیچ موسسه‌ای ثبت نکرده است. اما در هشدارها و خط و نشان کشیدن ناله و شکایت‌های یک روز در میان مقامات حکومتی در مورد هجمه فرهنگی غرب و از دست رفتن حجاب و عفاف و مقدسات اسلامی و غیره میتوان به عمق و گسترش رویگردانی مردم از اسلام و قوانین و مقدسات اسلامی پی برد. این رنسانس ضد مذهبی روی دیگر سکه رکوردهای منفی جمهوری اسلامی است.*

طوفان علیه منادیان غضب الهی!

مساله کمی فرق میکنند. در جمهوری اسلامی بزرگترین مصیبت و فاجعه وجود حکومت اسلامی است. که البته علت وجودی این فاجعه نه غضب الهی است و نه خشم طبیعت، بلکه حفظ سلطه یک در صدیهای میلیاردری است که در راس اش متحجرین پوسیده ای از جنس همین آیت الله گرگانی قرار دارند. این مصیبت را طوفان انقلاب مردم از میان برخواهد داشت.*

"طوفان تهران تنبیه و هشدار برای ما است که بدانیم این عالم صاحبی دارد. نباید در ملک خدا هر کاری بکنیم. در ملک خدا معصیت نکنیم. وقتی بلا بیاید دیگر تأسف خوردن فایده ای ندارد."

این افاضات آیت الله گرگانی از مراجع تقلید قم است. انتساب بلایای طبیعی به قهر الهی و تنبیه بندگان معصیت کار حرف تازه ای نیست. چندسال قبل در رابطه با زلزله هائیتی هم یکی از کشیهای کاتولیک آمریکائی، از سنخ همین آیت الله های متحجر حاکم در ایران، آنرا به خشم و غضب خدا منتسب کرد. اما در مورد جمهوری اسلامی



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

جمهوری اسلامی ایران عملا در مقابل تلاش برای بخشش سحر مهابادی ایستاده است!

این خبر را در دنیا جار بزنید که رژیم اسلامی نمیخواهد يك زن جوان توسط خانواده مقتول بخشیده شود، سنگری که همواره رژیم پشت آن قائم میشد و ظاهرا جلسات صلح و سازش سازمان میداد و میگفت، خودش طرفدار بخشش است، اکنون نگاه کنید جانین حاکم بر ایران چگونه فضا سازی میکنند، وحشت ایجاد میکنند و وکلای شرافتمند و تلاشگران برای نجات جان محکومین به اعدام را میترسانند.

این نقشه شوم حکومت اسلامی را افشا کنید. به رسانه های بین المللی مراجعه کنید، میتینگ و حرکت اعتراضی سازمان دهید و اعلام کنید که حکومت اسلامی ایران، حکومتی است که نفس کشیدن خودش به طناب های دار وصل است و بهمین دلیل میکشد تا چند صباحی دیگر بماند و بچاپد.

برای مقابله با این تشبثات حکومت اسلامی باید پیش از پیش به جنبش علیه اعدام دامن زد.

کمیته بین المللی علیه اعدام، رفتار سرکوبگرانه در مقابل اقدامات انسان دوستانه برای نجات جان سحر مهابادی و برای گرفتن بخشش از خانواده مقتول را بشدت محکوم کرده و از همگان دعوت میکند که برای نجات سحر مهابادی دست بکار شوند. ما نباید بگذاریم حکومت اسلامی زن جوانی را بکشد که در يك شرایط اضطراری و وحشت زده، دست به چاقو برده و متهم به قتل يك نفر است. کمک کنید جان سحر مهابادی را نجات دهیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۲ ژوئن ۲۰۱۴

در اینجا نوشته کوتاه محمد علی جداری فروغی وکیل سحر و مادر ریحانه که یکی از تلاشگران برای نجات جان سحر مهابادی را ملاحظه میکنید:

برگرفته از فیس بوک

محمد علی جداری فروغی وکیل پایه يك دادگستری وکیل ریحانه جاری و سحر مهابادی ساعت ۱۱ شب ۱۳/۳/۱۳۹۳

حیدر، پدر سحر چند ساعتی در دفتر من بود. خیلی مضطرب و نگران و از تماس تلفنی امشب سحر از زندان می گفت که عنوان می کرد که مسئولین زندان به سحر گفته اند حق تماس تلفنی با وکیل خود را ندارد. من روز شنبه ۱۰/۳/۱۳۹۳ وکالت نامه خود را به شعبه اول اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۷ تهران (امور جنایی) تحویل داده ام و اقداماتی جهت رسیدگی مجدد به پرونده در جریان است و حتی فرصت یکبار ملاقات با سحر نداشته ام... نمی دانم که چرا مسئولین زندان شهری محدودیت هایی برای تماس تلفنی سحر و نیز جابجایی او در زندان انجام داده اند؟ امیدوارم این خبر که موکل زندانی از تماس تلفنی با وکیل خود محروم شده صحت نداشته باشد... زیرا که دسترسی موکل زندانی به وکیل خود در حد عرف و قانون پذیرفته شده است و هرگز مباد که قانون نادیده گرفته شود و حقوق زندانی تضییع گردد... زندانی هم يك انسان است و حقوقی دارد که وکیل مدافع باید از آن دفاع کند.

از فیس بوک شعله پاکروان مادر ریحانه جاری

عصر امروز ریحانه تلفن زد. از او در مورد همبندیش سحر

پرسیدم. گفت او را به بند مشاوره برده اند و دیگر خبری از او ندارد. اما من، مثل هر مادر دیگری که فرزندش زندانی است، اخبار ریحانه و سحر را به طرق مختلف میشنوم و برای خودم تصویری از وضعیت آنها در ذهنم میسازم. پس از جدایی ریحانه و سحر در چند روز گذشته گفته می شود امروز سحر را از بند مشاوره هم خارج کرده و به قرنطینه برده اند. هنوز نمیدانم در انفرادی است یا نه. ظاهرا به او گفته اند فقط حق تلفن زدن به پدر و مادرش، آنها هم در حضور مامور را دارد. حتی با وکیل خود محمدعلی جداری فروغی که به اقتضای مسائل پرونده باید در تماس تلفنی باشند، هم نمیتواند تماس بگیرد. از رفتن به واحد اشتغال و فرهنگی زندان هم منع شده. گویا مامورین به او گفته اند به دلیل رسانه ای شدن داستانش، در معرض این گونه رفتارها قرار گرفته و نیز ریحانه را مسئول رسانه ای شدن موضوع دانسته اند. همه می دانند که سحر سالها وکیل نداشت و ما معرفی کردیم ولی دخترم را به این دلیل توبیخ کرده اند. غافل از اینکه داشتن وکیل حق هر متهم است که از او قانونا دفاع کند. حتی خدای ناکرده در آخرین لحظه زندگیش و شنیده ام که حتی در صحنه اجرای حکم قصاص وکیل هم باید حضور داشته باشد. امروز که دلشوره داشتم از آقای فروغی پرسیدم، گفتند حدود ظهر سحر تلفنی با من در تماس بود، ولی به نظر می رسید حالت عادی نداشت.

ریحانه تنها در گوشه زندان شهری اسیر است. دختری که از جانب خیلی ها جفا دید. از بازپرس و قاضی و... همان بازپرس شاملو و قاضی تردست که حتی بعد از خروج از خدمت

در قوه قضائیه، از حمله و اتهام زنی به او و خانواده اش فروگذار نکردند...

هر چند زنان جفا دیده در زندان شهری کم نیستند. سحر هم یکی از آنهاست... با اینکه روز شنبه در اجرای احکام خبر توقف حکمش را شنیدم، اما تغییر مکان و محدودیت های جدیدی که برایش فراهم شده، نگرانیم را بیشتر کرده که نکند سحر را...؟

این نگرانی را به ریحانه منتقل نکردم. او بی خبر از دلشوره های من، شبی دیگر را

از صفحه ۷

پاسخ به سونامی بیکاری اتحاد سراسری علیه رژیم است

واقعیت اینست که رژیم بیش از هر وقت زیر منگنه فشار ما مردم و ما کارگران است. بیش از هر وقتی در سطح جهانی در تنگنا و در انزواست. دعوایشان نیز به جایی رسیده است که مستقیما همدیگر را نشانه میروند و هر روز پرونده جدیدی از جنایات و دزدی های یکدیگر رو میکنند. جنبش اعتراضی وسیع علیه بیکارسازیها و دستمزدهای پرداخت نشده، مبارزات هر روزه کارگری، بستر مهمی برای رفتن بسوی اعتراضات سراسری علیه بیکاری، علیه فقر و علیه تهاجمات هر روزه رژیم اسلامی است.

خلاصه کلام اینکه ریشه بیکاری توحش سرمایه داری حاکم است و اقتصاد در هم ریخته رژیم اسلامی به آن ابعاد فاجعه باری داده است. راه حل ما خشکاندن کل این ریشه و نابودی رژیم اسلامی است.*

چون نفت و مجتمع های بزرگ کارگری نقش کلیدی ای میتوانند در این مبارزات ایفا کنند.

بدین ترتیب اینها همه راهکارهای مختلفی برای سازماندهی سراسری مبارزه علیه بیکاری و شکل دادن به جنبش سراسری علیه این معضل اجتماعی است. اینها همه اشکالی از مبارزه است که قدرتت در ابراز وجود اجتماعی آن و جلب حمایت وسیع مردم است. اعتراضاتی که میتواند با جذب وسیع خانواده های کارگری و نقش فعال زنان ابعاد وسیع و اجتماعی پیدا کند.

بویژه اکنون که معضل بیکاری به بحث هر روزه حکومت و "بحران بیکاری جوانان" به وحشت و هراس دولت تبدیل شده است، بهترین فرصت است که قوایمان را جمع کنیم و با صفی متحد و سراسری علیه بیکاری و بیکارسازیها به میدان آئیم.

یک افتضاح سیاسی و شکست دیگر برای جمهوری اسلامی: دولت و پارلمان آلمان دعوت از سفیر رژیم را پس گرفتند

قبلا يك موسسه آلمانی به نام "ارزش های پایه ای و تفاهم ملتها" برای روز چهارشنبه ۴ جون به همراه تعدادی از نمایندگان پارلمان آلمان از شیخ عطار سفیر جنایتکار رژیم در آلمان دعوت کرده بودند تا در باره گسترش روابط دولت آلمان با جمهوری اسلامی، بحث نمایند. با درز این خبر به بیرون و ارسال نامه های اعتراضی مخالفان رژیم و مخالفان گسترش رابطه آلمان با جمهوری اسلامی، روز شنبه ۳۱ مه این موسسه اعلام کرد که این نشست برگزار نخواهد شد.

بدین ترتیب يك نشست دیگر رژیم با مقامات و دار و دسته های پارلمان آلمان لغو شد. این تلاش بدنبال لغو نشست "فورم تجاری فرانکفورت" دو هفته پیش با شیخ عطار سفیر رژیم جمهوری اسلامی که با اعتراضات گسترده مخالفان رژیم روبرو شد، می باشد. این دومین افتضاح سیاسی برای دولت آلمان و جمهوری اسلامی در طول يك ماه گذشته می باشد.

کمیته آلمان حزب کمونیست کارگری يك بار دیگر تاکید میکند که با تمام قوا در برابر حضور مقامات رژیم در آلمان و ماماشات دولت و پارلمان آلمان با جمهوری اسلامی صدهزار اعدام خواهد ایستاد و اجازه برپایی و نشست با جانیان اسلامی را نخواهد داد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری

ایران - آلمان

۳ جون ۲۰۱۴

اطلاعیه قبلی که در باره این نشست صادر شده بود، ضمیمه می باشد

دعوت از سفیر رژیم در آلمان باید پس گرفته شود ماماشات دولت آلمان با جمهوری اسلامی محکوم است!

هنوز يك هفته از لغو نشست اطاق بازرگانی فرانکفورت آلمان با شیخ عطار سفیر جمهوری اسلامی نگذشته است، که يك موسسه آلمانی به نام "ارزش های پایه ای و تفاهم ملتها" دوباره از شیخ عطار دعوت کرده است تا این بار در "خلوت خودی های" مقامات دولت آلمان و نمایندگان پارلمان این کشور، با این جنایتکار به بحث و گفتگو بنشینند. مارکوس پوتسل مسئول بخش خاورمیانه وزارت خارجه دولت آلمان قرار است با شیخ عطار درباره برنامه هسته ای جمهوری اسلامی و گسترش و تحکیم روابط به گفتگو بپردازند.

دعوت از جنایتکاری چون شیخ عطار محکوم بوده و باید پس گرفته شود. شیخ عطار نماینده دولت روحانی است که از زمان ریاست جمهوری اش بیش از ۵۰۰ نفر را اعدام کرده است. تعداد زیادی را به بهانه واهی دستگیر و زندانی کرده است. نشست و برخاست با نمایندگان حکومت صد هزار اعدام مورد تنفر و

انزجار مردم ایران است.

هر گونه نشست و برخاست و ماماشات دولت آلمان با سرکوبگران مردم ایران محکوم است. جای شیخ عطار نه در تریبون، که در دادگاه است. شیخ عطار به همراه دولت روحانی و همه سران و مقامات بلند پایه رژیم باید دستگیر و به اتهام دست داشتن در کشتار هزاران نفر محاکمه شوند. سفارتخانه جمهوری اسلامی در آلمان باید بسته شود و نمایندگانش اخراج شوند.

کمیته آلمان حزب کمونیست کارگری مخالفان جمهوری اسلامی را فرا می میخواند به هر طریقی که میتوانند به این دعوت اعتراض کرده و خواهان لغو نشست مقامات دولت آلمان با نماینده جمهوری اسلامی بشوند. ما اعلام می کنیم همانطور که مانع نشست قبلی سفیر رژیم با مقامات اطاق بازرگانی شدیم و مجبور شدند کنسلش کنند در مقابل این برنامه نیز با تمام قوا خواهیم ایستاد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری

ایران - آلمان

۳۰ مه ۲۰۱۴

تلفن تماس با حزب در خارج کشور

اصغر کریمی، دبیر هیئت اجرایی حزب

۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

فریبرز پویا، دبیر کمیته خارج کشور

۰۰۴۴۷۸۶۱۰۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر، دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 ,

127 02 Skärholmen - Sweden

حمایت رهبران اتحادیه های کارگری در کنفرانس اتحادیه خدمات بریتیش کلمبیا از کارگران زندانی در ایران

قطعهنامه در همبستگی با

کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران

در ایران بطور روتین کارگران بخاطر شرکت در اعتصاب و ایجاد تشکل و جشن گرفتن اول مه و غیره و غیره دستگیر و زندانی میشود. بازداشت و زندان خودسرانه، حبس های طولانی مدت، بازجویی های خشن، ضرب و شتم، حتی استفاده از شلاق، محرومیت بازداشت شدگان بیمار از مراقبت های پزشکی، آزار و اذیت مداوم در شکل احضار به دادگاه، وثیقه های سنگین و تهدید روزانه علیه کارگران و خانواده های آنها، دادن امکان امرار معاش خود، یک شکل سیستماتیک حمله رژیم اسلامی به فعالین کارگری در ایران است.

خواستهای ما روشن است: ترور و خشونت علیه کارگران در ایران باید متوقف شود! کارگران در ایران باید بتوانند آزادانه از حقوق اساسی خود، حق تشکل و به راه اندازی سازمان های خود، جمع شدن، اعتراض برای خواستههایشان، اقدام به اعتصاب، سازماندهی و شرکت در تظاهرات، و غیره، بدون ترس از بازداشت و روانه زندان شدن، برخوردار باشند. تمامی کارگران زندانی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد گردند!

ما از همه اتحادیه های کارگری و سازمان های حقوق بشر در سراسر جهان و تمام افراد و سازمان های معترض به نقض حقوق بشر میخواهیم که از کمپین ما حمایت کنند و قطعهنامه ما را امضا کنند.

ما همبستگی خود را با کارگران ایران ابراز کرده و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران هستیم.

ما رژیم اسلامی ایران را بخاطر آزار و اذیت فعالین کارگری و مخالفان سیاسی محکوم میکنیم.

ما از مبارزات کارگران و مردم ایران برای آزادی، حق تشکل و اعتصاب، و برای رفاه، برابری، عدالت و زندگی ای همراه با کرامت حمایت میکنیم.

ما خواهان انزوای سیاسی بین المللی رژیم ایران و تحریم و بایکوت آن در سازمان بین المللی کار (ILO) و تمام مراجع جهانی هستیم.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری - ایران

چهل و نهمین کنفرانس اتحادیه کارکنان دولتی و خدمات بریتیش کلمبیا از بزرگترین و متنوع ترین اتحادیه های کارگری بریتیش کلمبیای کانادا که ۶۷ هزار کارگر در بیش از ۵۰۰ بخش در بخش های خصوصی و خدمات عمومی را در بر میگیرد در فاصله روزهای ۲۸ تا ۳۱ مه برگزار شد. مسعود ارژنگ از اعضای کمیته همبستگی بین المللی کارگری - ایران و کمپین برای آزادی کارگران زندانی در این کنفرانس شرکت داشت. در این نشست دهها فعال کارگری از میز اطلاعاتی ای که توسط مسعود ارژنگ گذاشته شده بود و روی آن عکس هایی از کارگران زندانی و شرح مختصری از وضعیت آنان، از جمله در مورد وضعیت جعفر عظیم زاده و بهنام ابراهیم زاده، دو تن از رهبران محبوب کارگری که هم اکنون در بند ۲۰۹ اوین بسر میبرند، قرار داشت دیدن کرده و طومار اعتراضی در حمایت از کارگران زندانی را امضا نمودند.

در این نشست رهبران از اتحادیه های کارگری از جمله پیت پین لاک (Pete Pinlac) رهبر اتحادیه فیلیپین ماکابایان (Makabayan)، پال فارو (Paul Faoro) مدیر خزانه داری اتحادیه کارگران استخدامی بخش عمومی بریتیش کلمبیا (CUPE - BC) در بر گیرنده ۸۵۰۰۰ کارگر، جیمز کلانسی (James Clancy) مدیر کل اتحادیه ملی بخش عمومی (NUPGE) که ۳۶۰ هزار کارگر را در بر میگیرد، استفانی اسمیت Stephanie Smith، پریزیدنت اتحادیه منتخب کنفرانس و پل فینچ (Paul Finch) مدیر خزانه داری این اتحادیه و جوی هارتمن (Joey Hartman) یکی دیگر از رهبران این اتحادیه با امضا کردن قطعهنامه کمیته همبستگی بین المللی کارگری ایران مبنی بر آزادی فوری کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، حمایت از مبارزات کارگران ایران و اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و همه مراجع بین المللی، همبستگی و حمایت خود را اعلام کردند. بدین ترتیب مسعود ارژنگ توانست در این کنفرانس صدای اعتراض کارگران زندانی در ایران باشد. عکس هایی از این رهبران با تصاویر کارگران زندانی و متن قطعهنامه ضمیمه است.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری - ایران
<http://free-them-now.blogspot.com>

۱۳ خرداد ۹۳، ۳ ژوئن ۲۰۱۴



پل فینچ مدیر خزانه داری اتحادیه



پیت پین لاک از رهبران اتحادیه ای از فیلیپین



فانی اسمیت پریزیدنت اتحادیه منتخب کنفرانس



کمیته همبستگی بین المللی کارگری - ایران

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:

Sweden

Post Giro: 639 60 60-3

account holder: IKK

آلمان:

Germany

Rosa Mai

Konto. Nr.: 5836575

Bankleitzahl: 37010050

Post Bank

کانادا:

Canada

ICRC

Scotiabank

4900Dixie Rd, Mississauga

L4W 2R1

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G street Blaine, Wa 98230

phone# 1-360-332-5711

Masoud Azarnoush

Account number : 41581083

checking (99)

wire: ABA routing #026009593

swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر**کشور دیگر:**

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس**بگیرید:****سیامک بهاری: 0046739868051****markazi.wpi@gmail.com****لیست شماره یک کمک مالی به حزب و کانال جدید****هیچ کمکی کوچک نیست و****هیچ کمکی بیش از اندازه زیاد نیست!**

مصطفی صابر
۲۰۰۰ دلار
محمد آسنگران و مینا احدی
۵۰۰ یورو
حسن صالحی
۱۰۰۰۰ کرون
بهار میلانی و اصغر کریمی
۵۰۰ پوند
سیما بهاری
۵۰۰ یورو
یدی محمودی
۵۰۰ یورو
نازنین برومند
۲۰۰ یورو
میترا دانشی و حمید تقوایی
۵۰۰ دلار
پاول
۲۰۰ پوند
سلیمان سیگارچی و مینا بهروزی
۶۰۰۰ دلار

قرار داده و قلبستان از دیدن پیشرویه‌های این حزب و این کانال به طپش در می آید، کمک کنید تا حداقل ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی را تا آخر ماه ژوئیه تهیه کنیم. این به همت شما امکان پذیر است!

مجموع کمک های تاکنونی معادل ۱۷۸۳۰ دلار است. هدف کمپین جمع آوری حداقل ۱۰۰ هزار دلار تا آخر ماه ژوئیه است. کلیه دوستداران حزب و کانال جدید و همه مردم شریف و آزادیخواه را به پیوستن به این کمپین فرامیخوانیم.

کمپنه استکهلم حزب ۲۰۰۰۰ کرون
رحیم یزدانپرست و پروین سلیمی ۶۰۰۰ کرون
آذر بویا و هوشیار سروش ۴۵۰ دلار

حزب کمونیست کارگری حزب شما است. حزب آمل و آرزوهای انسانی میلیونها نفر، حزب پرچمدار مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان و معترضین به اعدام و جنایات حکومت اسلامی است. کانال جدید صدای اعتراض میلیونها زن به حجاب اسلامی، صدای اعتراض میلیونها کارگر به بی حقوقی همه آحاد جامعه در ایران و صدای جوانان معترضی است که شادی و رفاه و آزادی را حق خود میدانند.

برای ادامه کاری کانال جدید و به منظور گسترش دادن به فعالیت‌های حزب و کانال جدید، به کمک تک تک شما نیازمندیم. هیچ کمکی کوچک نیست و هیچ کمکی بیش از اندازه زیاد نیست. همه شما کسانی که ما را مورد تشویق

**به کمک مالی شما نیاز داریم!
کمپین دوماهه برای تامین ۱۰۰ هزار دلار**

برای سازمان یافتن مردم برای رهائی از این جهنم میشود. بعنوان فعال این کمپین قدم به میدان بگذارید و از همه دوستان و آشنایان و از همه انسانهای شریف بخواهید که به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک مالی کنند. امیدواریم با مشارکت فعال شما حداقل صد هزار دلار در دو ماه آینده جمع آوری کنیم و فعالیت هایمان را گسترش دهیم. کمک های خود را میتوانید از طریق از طریق حسابهای بانکی زیر پرداخت کنید. اسامی و میزان کمک ها بطور علنی اعلام خواهد گردید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ مه ۲۰۱۴، ۸ خرداد ۱۳۹۳

متحدرتر و مستحکم تر کنند و به کانال جدید نیاز دارند تا صدای اعتراض خود را هر چه رساتر منعکس کنند. کارگران و زنان و جوانان، زندانیان سیاسی و خانواده هایشان، محکومین به اعدام و خانواده هایشان و در يك كلام بیش از ۷۰ میلیون مردم شریف و زحمتکش به این حزب و کانال نیاز دارند تا روشن تر و امیدوارتر مبارزه برای احقاق حقوق خود را گسترش بدهند. ما مصممیم که فعالیت های خود را گسترش دهیم و به این منظور به کمک مالی شما نیازمندیم. از شما دعوت میکنیم که فعالانه در این کمپین شرکت کنید.

هر يك دلار کمک مالی شما صرف مبارزه برای نجات انسانها، مبارزه برای کنار زدن بختک جمهوری اسلامی و صرف تلاش

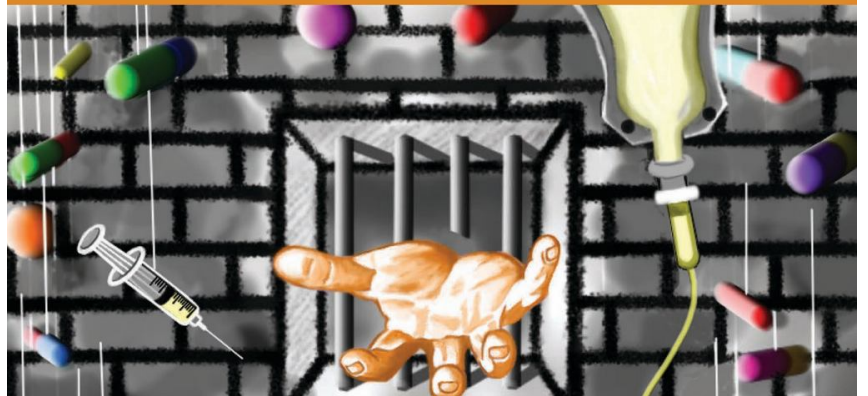
به منظور تامین هزینه های کانال جدید و گسترش فعالیت های حزب کمونیست کارگری کمپینی دو ماهه از اول ماه جون تا آخر جولای اعلام میکنیم و از همه دوستداران حزب و کانال جدید و کلیه آزادیخواهان و مخالفان جمهوری اسلامی تقاضا میکنیم در این کمپین ما را یاری بدهند. نقش حزب کمونیست کارگری و کانال جدید برای میلیون ها نفر از مردم شناخته شده است. در عرصه های مختلف مبارزه و هر جا ظلم و سرکوبی هست حزب کمونیست کارگری هم فعالانه حضور دارد و در صف اول مبارزه علیه جمهوری اسلامی و علیه بیحقوقی ها و محرومیت های مردم ایستاده است. مردم ایران به حزب کمونیست کارگری نیاز مبرم دارند تا صفوف خود را

علیه شکنجه و زندان، یکصدا در روز بیستم ژوئن ۲۰۱۴ برابر با سی خرداد به خیابانها بیاییم

روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

۳۰ خرداد ۱۳۹۳ - ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴

نگذارید قلبشان از تپش باز ایستد



تجمعات روز بیستم ژوئن - ۳۰ خرداد روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی را اعلام کرده اند

لندن - واشنگتن - استکهلم -
اسلو - تورنتو - فرانکفورت -
آمستردام ...

بزودی شهرهای بیشتری اعلام
خواهد شد. اگر مایل به برگزاری
روز حمایت از زندانیان سیاسی
- بیستم ژوئن - هستید لطفاً
جزئیات برنامه خود را برایمان
ارسال دارید.

انگلستان لندن:

زمان: شنبه ۲۱ ژوئن ۲۰۱۴
مکان: ساعت ۳ الی ۵ تجمع و
تئاتر خیابانی مقابل پارلمان و
سپس حرکت به سوی محل
برگزاری سخنرانی ساعت ۶ الی
۱۰ شب

University of London
Union, Malet St., London
WC1E 7HY, Room
3E-3rd Floor

تماس: علیرضا رشیدی

شهرهای مختلف مراسم برگزار
کنیم. اگر شما مایلید در شهر
محل اقامتتان در حمایت از
زندانیان سیاسی در این روز
برنامه ای برگزار کنید، لطفاً با
ما تماس بگیرید.

جهت هماهنگی از شما
تقاضا میکنم با هماهنگ کننده
برگزاری روز جهانی حمایت از
زندانیان سیاسی علیرضا سربازی
تماس برقرار نمایید.
علیرضا سربازی
تلفن تماس:
۰۰۴۱۷۸۸۸۱۳۵۶۸

ایمیل تماس:
alireza@swissmail
.com
freepoliticalprisoners@gmail.com

برای اطلاعات بیشتر لطفاً به
وبلاگ بیستم ژوئن مراجعه
نمایید.
http://20juneiran.wordpress.com/

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان
سیاسی در ایران
۲۰ می ۲۰۱۴

شهرهایی که تا حال

۲۰ ژوئن روز فریاد ما و
خانواده‌های زندانیان سیاسی بر
علیه تهاجمات ددمنشانه رژیم
جمهوری اسلامی در ایران
میباشد. بسیاری از شما در
سالهای قبل در شهرهای مختلف
در این روز شرکت کرده و دست به
سازماندهی تجمعات زدید.
امیدواریم امسال نیز امکانات و
انرژی خود را جهت حمایت از
زندانیان سیاسی در این روز به
کار ببرید. نوع و نحوه آکسیونها
به ابتکارات شما عزیزان بستگی
دارد. شبهای تجلیل از زندانیان،
تظاهرات، نمایش‌های خیابانی،
ترتیب دادن طومارهای اعتراضی
خیابانی و نوشتن نامه های
اعتراضی، تجمع در مقابل
پارلمانها و دفاتر وزارت امور
خارجه کشورها و ... از جمله
اقداماتی است که باعث
افشاگری و بسیج افکار عمومی
بر علیه جمهوری اسلامی
میشود.

ما بزودی دست به اعلام
اسامی شهرهایی که در آن تجمع
برگزار میشود خواهیم زد.
امیدواریم امسال بتوانیم در

شیوا محبوبی ۰۷۷۱۲۸۱۰۶۷۵

۰۷۵۷۲۳۵۶۶۶۱

سیروان قادری

۰۷۴۴۶۱۳۵۸۵۷

شماره تماسهای بعدی اعلام
خواهد شد

برگزارکننده: کمیته برگزارکننده
بیستم ژوئن روز جهانی حمایت از
زندانیان سیاسی

آمریکا

واشنگتن:

زمان: یکشنبه ۲۲ ژوئن ۲۰۱۴

ساعت ۱۳

مکان:

2209 Wisconsin Avenue
NW

تماس: ماریا روحالی
۲۴۰-۵۹۵-۲۶۳۳

برگزارکننده: میشن فری ایران

سوئد

استکهلم:

زمان: پنجشنبه ۱۹ ژوئن ۲۰۱۴

ساعت ۱۷ تا ۱۹

مکان:

Mynt Torget

مینت توریت

تماس: ودا ایلکا

۷۶۲۷۷۴۲۰۸۱

veda.ilka@yahoo.se

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای
آزادی زندانیان سیاسی

نروژ

اسلو:

زمان: جمعه ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴

ساعت ۱۷ تا ۱۹

مکان: مقابل پارلمان

تماس:

۰۰۴۷-۴۶۲۲۶۲۳۵

پیمان کاووسی
peiman.kawosi@gmail.com

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای

آزادی زندانیان سیاسی

کانادا

تورنتو:

زمان: جمعه ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴

مکان: پلازای ایرانیان

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای

آزادی زندانیان سیاسی

آلمان

فرانکفورت:

زمان: جمعه ۲۰ ژوئن ۲۰۱۴

ساعت ۱۶ تا ۱۸

مکان: مرکز شهر فرانکفورت
Hauptwache

تماس:

۰۱۵۷۷۴۶۵۰۱۸۶

شهناز مرتب

هند

آمستردام:

زمان: شنبه ۲۱ ژوئن

ساعت ۱۴ تا ۱۶

مکان: میدان

beursplein, Amsterdam
ISJ

تماس:

0031 684299534

۰۰۳۱-۶۸۴۲۹۹۵۳۴

فرزام کرباسی

far-
zam.karbasi@gmail.com

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهرام سروش

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود